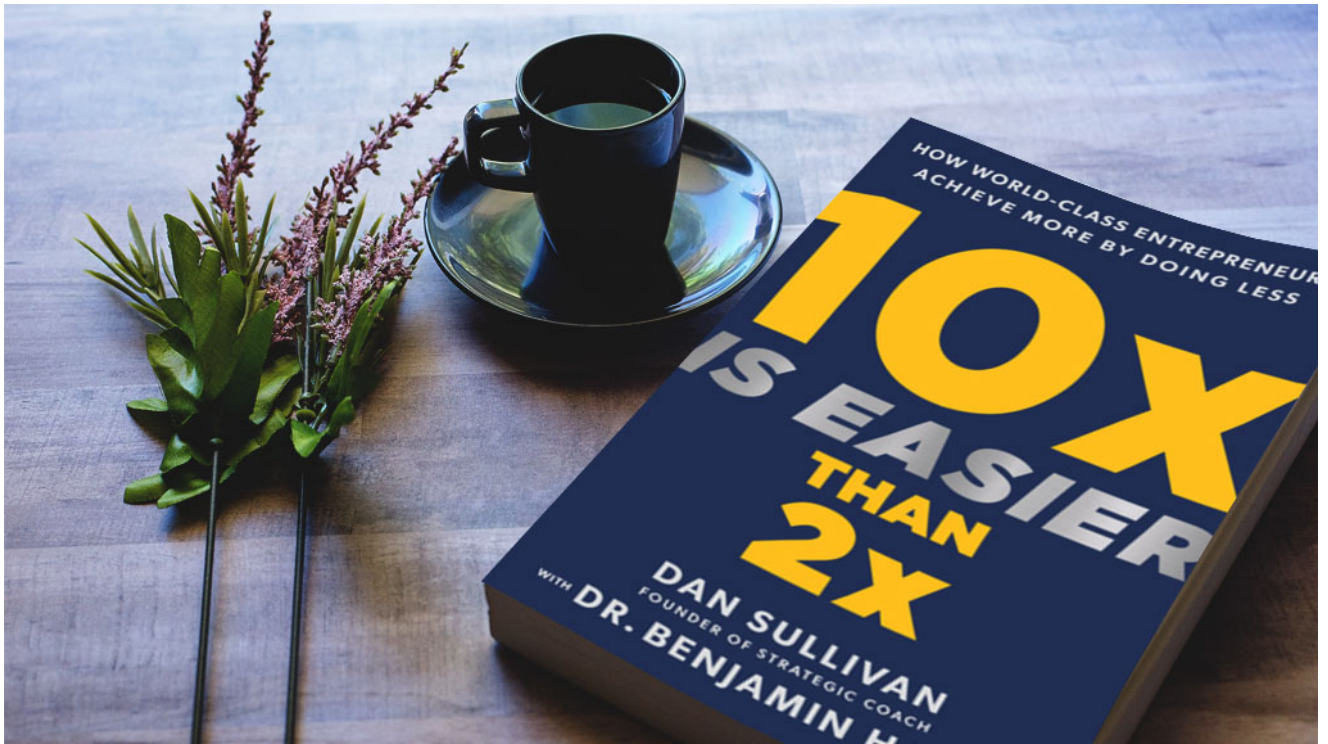




خلاصه کتاب ده برابر آسان تر از دو برابر

کتاب ده برابر آسان تر از دو برابر (۲۰۲۳) نوشته دن سالیوان و بنجامین هاردی، بخشی دعوت به اقدام و بخشی راهنمایی گام به گام برای ساختن زندگی‌ای فراتر از جسورانه‌ترین رویاهای شماست.

ابتدا با این موضوع آشنا می‌شوید که چرا در کتاب ده برابر آسان تر از دو برابر، ۱۰ برابر شدن در مقایسه با ۲ برابر شدن ساده‌تر، بهتر و لذت‌بخش‌تر است. سپس یک نقشه راه روشن در اختیارتان قرار می‌گیرد تا بتوانید این رویکرد را بلافاصله در زندگی و کسب‌وکار خود به کار بگیرید. کتاب ده برابر آسان تر از دو برابر نشان می‌دهد برای دستیابی به نتایج بسیار بزرگ‌تر، همیشه لازم نیست بیشتر تلاش کنید؛ گاهی کافی است مسیر رشد خود را به درستی تغییر دهید.

چرا ۱۰ برابر شدن می‌تواند آسان تر از ۲ برابر شدن باشد؟

تصور کنید رهبر یک استارت‌آپ موفق هستید که در ابتدا دوره‌ای از رشد سریع و

چشمگیر را تجربه کرده است؛ اما حالا احساس می‌کنید به بن‌بست رسیده‌اید و در یک دوره رکود ظاهراً بی‌پایان گرفتار شده‌اید.

بیش از هر زمان دیگری سخت‌تر، طولانی‌تر و جدی‌تر کار می‌کنید؛ اما باین‌حال خوش‌شانس هستید اگر کوچک‌ترین پیشرفتی هم حاصل شود. این وضعیت برایتان آشناست؟

کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر توضیح می‌دهد چرا افزایش تلاش همیشه به افزایش متناسب نتایج منجر نمی‌شود و چرا گاهی برای دستیابی به رشد بسیار بزرگ‌تر، باید اساساً شیوه فکر و عمل خود را تغییر دهید.

چرا مدل ۲ برابری همیشه جواب نمی‌دهد؟

کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر همچنین تأکید می‌کند ساختارهای آموزشی و کسب‌وکاری امروزی به ما می‌گویند که موفقیت از یک مدل خطی، محدود و ۲ برابری پیروی می‌کند. به ازای هر واحد تلاشی که صرف می‌کنید، انتظار می‌رود یک واحد پاداش دریافت کنید. برای مثال، اگر می‌خواهید سود خود را دو برابر کنید، باید انتظار داشته باشید ساعات کاری‌تان را هم دو برابر کنید.

باین‌حال، طبق مفاهیم کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر، بسیاری از ما در عمل متوجه شده‌ایم که این رابطه همیشه برقرار نیست. افرادی که هفته‌ای ۸۰ ساعت کار می‌کنند، ممکن است برای به دست آوردن کوچک‌ترین نتایج بیشتر هم با مشکل مواجه شوند، درحالی‌که افرادی که نیمی از سال را استراحت می‌کنند، می‌توانند بازدهی‌هایی تصاعدی به دست آورند.

تفکر ۱۰ برابری؛ عبور از رشد خطی

اینجاست که دن سالیوان می‌تواند موضوع را روشن‌تر کند: افرادی که در گروه دوم قرار می‌گیرند، به شیوه‌ای ۱۰ برابری فکر و عمل می‌کنند. یعنی به صورت غیرخطی، نامحدود و واقعاً ۱۰ برابر.

اگر مفهوم «۱۰ برابر شدن» کمی دلهره‌آور به نظر می‌رسد، حق دارید؛ واقعاً همین‌طور

است. ۱۰ برابر شدن یعنی دائماً ۸۰ درصد از چشم‌انداز، هویت و شرایطی را که دیگر در خدمت شما نیستند کنار بگذارید. ۱۰ برابر شدن یعنی بپذیرید چیزی که شما را به جایگاه امروزی رسانده، لزوماً نمی‌تواند شما را به جایگاه بعدی برساند.

چرا ۱۰ برابر شدن می‌تواند زندگی را ساده‌تر کند؟

اما روی دیگر سکه ۱۰ برابر شدن هم وجود دارد. اگر حاضر باشید از دشواری‌های اولیه رشد عبور کنید، متوجه خواهید شد که زندگی ساده‌تر، بهتر و لذت‌بخش‌تر از چیزی می‌شود که پیش‌تر تصور می‌کردید. از آنجا که ۱۰ برابر شدن در نگاه اول بیش از حد جسورانه به نظر می‌رسد، افراد کمی آن را دنبال می‌کنند. در نتیجه، رقابت بسیار کمتری وجود دارد. در واقع، سطح ۱۰ برابری اغلب محل شکل‌گیری همکاری‌هایی با ارزش بسیار بالا و حتی شگفت‌انگیز است.

["message_box text_color="light]

به همین ترتیب، چون ۱۰ برابر شدن بسیار چالش‌برانگیز است، زندگی به‌طور طبیعی به سمت ضروری‌ترین چیزها ساده می‌شود. تنها تعداد محدودی از افکار و رفتارهای فعلی شما می‌توانند به این واقعیت ۱۰ برابری منجر شوند؛ بنابراین باید تمرکز و سرمایه‌گذاری خود را روی همان موارد چند برابر کنید و بقیه را کنار بگذارید. در نتیجه، در نهایت کارهای کمتری انجام می‌دهید، اما دستاوردهای بسیار بیشتری به دست می‌آورید.

[message_box/]

۱۰ برابر شدن ساده‌تر از چیزی است که فکر می‌کنید

اگر برای افزایش ۱۰ درصدی سودتان فهرستی از راه‌های ممکن تهیه کنید، احتمالاً در مدت چند دقیقه می‌توانید گزینه‌های زیادی پیدا کنید؛ اما اگر از شما بخواهند راه‌هایی برای ۱۰ برابر کردن سود پیدا کنید، فهرستتان به مراتب کوتاه‌تر خواهد شد. کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر توضیح می‌دهد که برخلاف تصور، هدف بزرگ‌تر می‌تواند تصمیم‌گیری را ساده‌تر کند؛ زیرا وقتی هدف ۱۰ برابری تعیین می‌کنید،

بسیاری از گزینه‌های کم‌اهمیت خودبه‌خود حذف می‌شوند و مسیرهای واقعا موثر باقی می‌مانند.

هدف ۲ برابری؛ وقتی گزینه‌های زیاد شما را متوقف می‌کنند

تصور کنید از شما خواسته شود فهرستی از راه‌های افزایش ۱۰ درصدی سود تهیه کنید. اگر پنج دقیقه فرصت داشته باشید، احتمالا می‌توانید گزینه‌های متعددی پیدا کنید. حالا تصور کنید از شما بخواهند راه‌هایی برای ۱۰ برابر کردن سود فهرست کنید. این بار فهرست بسیار کوتاه‌تر خواهد بود.

اگر تاکنون هدفی ۲ برابری تعیین کرده باشید، احتمالا می‌دانید خیره شدن به تعداد زیاد مسیرهای ممکن چقدر می‌تواند طاقت‌فرسا باشد. کدام مسیر را باید انتخاب کنید؟ آیا باید همه آن‌ها را هم‌زمان امتحان کنید؟ در هر صورت، زمان و انرژی اضافی موردنیاز را از کجا باید تامین کنید؟

هدف ۱۰ برابری؛ گزینه‌های کمتر، تصمیم‌های ساده‌تر

کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر می‌گوید وقتی مانند آزمایش فکری بالا، هدفی ۱۰ برابری تعیین می‌کنید، گزینه‌ها ممکن است به دو یا سه مسیر محدود شوند. در نتیجه، تحلیل بیش از حد و خستگی ناشی از تصمیم‌گیری نیز به همان نسبت کاهش پیدا می‌کند. برخلاف تصور، تفکر ۱۰ برابری اغلب احساس آرامش و رهایی زیادی ایجاد می‌کند.

حتی اگر واقعا نخواهید ۱۰ برابر رشد کنید و ترجیح دهید فقط به رشد ۲ برابری برسید، باز هم هدف‌گذاری ۱۰ برابری می‌تواند مفید باشد. دست‌کم، این کار محتمل‌ترین مسیر رسیدن به هدف ۲ برابری موردنظر شما را روشن می‌کند و شما را از دوره طولانی تصمیم‌گیری و دودلی نجات می‌دهد. علاوه بر این، حاشیه خطای بیشتری برایتان ایجاد می‌کند. همان‌طور که در ضرب‌المثل معروف نورمن وینسنت پیل آمده است: «ماه را هدف بگیر؛ حتی اگر خطا کنی، میان ستاره‌ها فرود می‌آیی.»

رسیدن به نتیجه‌ای کمی پایین‌تر از ۲ برابر می‌تواند بسیار ناامیدکننده‌تر از این باشد که با فاصله زیادی از هدف ۱۰ برابری قرار بگیرید. بنابراین، همان‌طور که کتاب ده برابر

آسان‌تر از دو برابر پیشنهاد می‌کند، گاهی هدف بزرگ‌تر می‌تواند حتی برای رسیدن به یک هدف کوچک‌تر نیز استراتژی بهتری باشد.

هدف بزرگ‌تر، کارهای ضروری کمتر

برای کسانی که آماده‌اند با تمام توان وارد مسیر ۱۰ برابری شوند، خیلی زود دومین دلیل ساده‌تر بودن این نوع هدف‌گذاری آشکار می‌شود. تفکر ۱۰ برابری نه تنها تعداد مسیرهای احتمالی برای رسیدن به هدف را کاهش می‌دهد؛ بلکه تعداد وظایف و اقداماتی را که برای موفقیت در آن مسیر لازم است نیز کمتر می‌کند.

اگر با قانون ۸۰/۲۰ یا اصل پارتو آشنا باشید، دلیل آن را بهتر درک می‌کنید: در هر زمینه‌ای، ۸۰ درصد نتایج حاصل تنها ۲۰ درصد از ورودی‌ها و تلاش‌هاست. بنابراین، ۱۰ برابر شدن یعنی تقریباً بلافاصله تمام تمرکز خود را روی همان ۲۰ درصد از اقدامات و فعالیت‌هایی بگذارید که بیشترین بازده را دارند». با این کار، زندگی از کارها و تعهدات غیرضروری خلوت می‌شود و تمرکز شما روی امور واقعاً مهم قرار می‌گیرد.

رها کردن ۸۰ درصد؛ از دست دادن یا آزاد شدن؟

در هر جهش ۱۰ برابری، کنار گذاشتن ۸۰ درصد از محدوده امن زندگی ممکن است بسیار زیاد به نظر برسد؛ اما فقط زمانی چنین احساسی دارید که این تغییر را یک فقدان بدانید. آیا واقعاً دلتان برای باورهای محدودکننده، روابطی که انرژی‌تان را تحلیل می‌برند و کارهای کم‌بازده تنگ خواهد شد؟ یا احتمال بیشتری دارد که با رها کردن این بارهای اضافی، نفس راحتی بکشید و احساس سبکی کنید؟

کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر تاکید می‌کند که رشد ۱۰ برابری صرفاً به معنای اضافه کردن کارهای بیشتر نیست؛ بلکه بخش مهمی از آن، حذف چیزهایی است که دیگر ارزشمند نیستند. وقتی بخش‌های غیرضروری را کنار می‌گذارید، انرژی و زمان بیشتری برای همان فعالیت‌هایی باقی می‌ماند که واقعاً می‌توانند شما را به نتایج بزرگ‌تر برسانند.

چرا ۱۰ برابر شدن می‌تواند بهتر باشد؟

کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر همچنین این سوال را مطرح می‌کند که اگر حق انتخاب داشته باشید، ترجیح می‌دهید روزهای خود را در قلمرو روزمرگی بگذرانید یا در مسیر استادی و تسلط؟

زندگی ۱۰ برابری ممکن است برای همه مناسب نباشد، اما چیزی که برای همه وجود دارد، امکان انتخاب میان این دو مسیر است. همان‌طور که در بخش قبل گفتیم، وقتی هدفی ۱۰ برابری تعیین می‌کنید، تمرکز شما به‌طور طبیعی از کمیت به کیفیت تغییر می‌کند؛ یعنی به همان ۲۰ درصد فعالیت‌هایی که بیشترین بازده را دارند. با آزاد شدن از ۸۰ درصد امور اضافی، فرصت پیدا می‌کنید تمرکز خود را حتی بیشتر روی کیفیت همان ۲۰ درصد بگذارید.

همین توجه به کیفیت کیفیت است که می‌تواند هدف ۱۰ برابری شما را به واقعیت تبدیل کند. کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر نشان می‌دهد که برای رسیدن به چنین سطحی از رشد، تنها تغییر اقدامات کافی نیست؛ بلکه باید هویت و استانداردهای خود را نیز تغییر دهید.

هویت شما، داستانی است که درباره خودتان می‌نویسید

در عمل، ۱۰ برابر شدن به تغییری اساسی در هویت و استانداردهای شما نیاز دارد. هویت، داستانی است که درباره خودتان دارید و آگاهانه یا ناآگاهانه، آن را از طریق افکار و رفتارهایتان تقویت می‌کنید. برای مثال، کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر می‌گوید ممکن است در ذهن خود دائماً این داستان را تکرار کنید که «من از آن آدم‌هایی نیستم که بتوانند یک زندگی ۱۰ برابری بسازند».

چه آگاهانه و چه ناخودآگاه، بر اساس همین باور فکر و عمل خواهید کرد و در نتیجه، محدوده آنچه را برای زندگی خود ممکن می‌دانید، محدود خواهید ساخت. درس مهم کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر این است که داستان خود را تغییر دهید.

استانداردهای شما سقف رشدتان را تعیین می‌کنند

استانداردهای شما نیز تا زمانی که آن‌ها را آگاهانه نکنید، تعهداتی ناخودآگاه باقی می‌مانند. استانداردها، حداقل سطحی هستند که افکار و رفتارهای شما باید از آن عبور کنند و مستقیماً از تصویری که از خودتان دارید سرچشمه می‌گیرند. برای مثال، استانداردهای فردی که باور دارد نمی‌تواند به سطح ۱۰ برابری برسد، تفاوتی اساسی با استانداردهای فردی خواهد داشت که رسیدن به این سطح را برای خود ممکن می‌داند.

به هویت و استانداردهای فعلی خود فکر کنید. آیا داستانی که درباره خودتان دارید، آگاهانه و با دقت ساخته شده است یا مجموعه‌ای از روایت‌هایی است که در طول سال‌ها در ذهن شما انباشته شده‌اند؟ آیا حداقل استاندارد که برای خود تعیین کرده‌اید، اجازه رکود می‌دهد یا شما را به سمت تحول سوق می‌دهد؟

اگر امروز در گروه اول قرار دارید، جای سرزنشی وجود ندارد؛ همه ما از نقطه‌ای شروع می‌کنیم. خوشبختانه سالیوان یک فرایند چهارمرحله‌ای ترسیم کرده است که می‌توان با کمک آن، هویت و استانداردهای خود را ۱۰ برابر کرد تا با هدف ۱۰ برابری هماهنگ شوند.

چهار گام برای ساختن هویت ۱۰ برابری

گام اول که در کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر بر آن تاکید شده است، تعهد به تحول است. برای اینکه رشد اتفاق بیفتد، باید واقعا بخواهید رشد کنید.

سپس برای اینکه بتوانید وارد عمل شوید، باید شجاعت کنار گذاشتن اهداف، هویت و استانداردهای ۲ برابری خود را پیدا کنید؛ یعنی حاضر باشید آن ۸۰ درصد از محدوده امن خود را پشت سر بگذارید.

با شروع اقدام، قابلیت‌های جدیدی در خود ایجاد خواهید کرد؛ قابلیت‌هایی که هدف، هویت و استانداردهای ۱۰ برابری شما به آن‌ها نیاز دارند. سپس با تمرکز بیشتر بر همین قابلیت‌ها، به اعتمادبه‌نفس عمیق‌تری دست پیدا می‌کنید. این اعتمادبه‌نفس نیز به نوبه خود شما را توانمند می‌کند تا بار دیگر ۱۰ برابر شوید و این فرایند را بارها و بارها تکرار کنید.

همان‌طور که بعضی افراد عاشق ورزش‌های هیجانی و افراطی هستند، شما نیز می‌توانید به جهش‌های ۱۰ برابری علاقه‌مند شوید. کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر می‌گوید اجازه ندهید ترس اولیه، شما را از تجربه غنی و ارزشمندی که در سوی دیگر این ترس انتظار شما را می‌کشد، محروم کند. کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر در نهایت شما را دعوت می‌کند که به جای ماندن در محدوده امن، به استقبال جهش‌هایی بروید که می‌توانند زندگی و نتایج‌تان را به سطحی کاملاً متفاوت برسانند.

چرا ۱۰ برابر شدن می‌تواند لذت‌بخش‌تر باشد؟

شاید پریدن از هواپیما آخرین چیزی باشد که در فهرست کارهای لذت‌بخش شما قرار می‌گیرد. اما همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، نوع دیگری از پرش وجود دارد؛ جهش ۱۰ برابری که می‌تواند منبع رضایت و لذت فوق‌العاده‌ای باشد. کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر در این بخش، پیش از ورود به دو تمرین عملی، به تفاوت میان خواستن و نیاز داشتن می‌پردازد؛ تفاوتی که می‌تواند نگرش شما به رشد، فرصت‌ها و حتی زندگی را تغییر دهد.

نیاز داشتن ما را در ذهنیت کمبود نگه می‌دارد

زندگی بر اساس چیزی که به آن نیاز داریم، ما را در دام ذهنیت کمبود قرار می‌دهد. متأسفانه این حالت، وضعیت پیش‌فرض جامعه است. در این نگاه، همه‌چیز باید توجیهی داشته باشد و هر فرد باید دائماً مراقب دیگران باشد و خود را در برابر آن‌ها محافظت کند.

در مقابل، زندگی بر اساس چیزی که می‌خواهیم، ذهنیت فراوانی را در ما تقویت می‌کند. کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر همچنین می‌گوید به‌طور پیش‌فرض، ساختن یک زندگی ۱۰ برابری به معنای ایجاد فرصت‌ها و منابعی است که پیش از آن وجود نداشته‌اند. حتی ممکن است این فرصت‌ها و منابع اساساً هیچ‌وقت به وجود نمی‌آمدند، اگر شما فعالانه برای ایجادشان اقدام نمی‌کردید.

از این منظر، مفهوم خواستن در واقع نقطه مقابل خودخواهی است. تنها با چنین نگرشی است که فراوانی می‌تواند هم برای شما و هم برای اطرافیانتان به یک واقعیت تبدیل شود.

خواستن، نقطه شروع رشد ۱۰ برابری است

این موضوع در دو نکته خلاصه می‌شود. نخست اینکه ذهنیت خواستن و هویت ۱۰ برابری کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند. هیچ‌کس نیازی به رشد تصاعدی و غیرخطی ندارد؛ اما شما می‌توانید از هر دو این محدودیت عبور کنید و به فردی تبدیل شوید که چنین رشدی را می‌خواهد و برای آن اقدام می‌کند.

دوم اینکه اهداف ۱۰ برابری اساساً به ذهنیت خواستن نیاز دارند. اهداف ۱۰ برابری فقط می‌توانند از دل فراوانی متولد شوند و فراوانی نیز تنها از دل خواستن شکل می‌گیرد.

وقتی بدون عذرخواهی و بدون نیاز به توجیه، چیزی را می‌خواهید صرفاً به این دلیل که آن را می‌خواهید، می‌توانید آنچه سالیوان توانایی منحصربه‌فرد می‌نامد را شناسایی و پرورش دهید. آموزه‌های کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر، به ما یادآوری می‌کنند خواستن، موتور محرک این توانایی است.

وقتی رقابت معنای خود را از دست می‌دهد

اهداف ۱۰ برابری عمیقاً شخصی هستند. هیچ‌کس دقیقاً همان چیزی را که شما می‌خواهید، نخواهد خواست. در نتیجه، هویت ۱۰ برابری‌ای که با تمرکز جدی بر همان ۲۰ درصد فعالیت‌های مهم خود در آن قدم می‌گذارید، کاملاً منحصربه‌فرد و تخصصی خواهد شد و همین ویژگی ارزش شما را به شدت افزایش می‌دهد.

در این مرحله دیگر صرفاً با دیگران رقابت نمی‌کنید؛ بلکه وارد حالت جریان می‌شوید. زندگی در چنین شرایطی به‌طور ذاتی انرژی‌بخش و رضایت‌آفرین می‌شود و ارائه چنین مهارت و تسلط ظریف و تخصصی به دیگران، به یکی از بزرگ‌ترین منابع لذت شما تبدیل خواهد شد.

این رویکرد برخلاف تقریباً همه چیزهایی است که تاکنون به شما گفته شده؛ اما خیلی زود متوجه می‌شوید واقعا درست است: «۱۰ برابر شدن واقعا ساده‌تر، بهتر و لذت‌بخش‌تر است».

کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر دقیقا بر همین باور استوار است؛ اینکه رشد بزرگ‌تر الزاما به معنای زندگی سخت‌تر نیست، بلکه می‌تواند مسیر ساده‌تر و لذت‌بخش‌تری برای رسیدن به نتایج استثنایی باشد.

شما قبلا هم ۱۰ برابر شده‌اید

سالیوان از آن دسته افرادی است که معتقدند در این دنیا دو نوع آدم وجود دارد. از نظر او، بعضی افراد در شکاف زندگی می‌کنند و بعضی دیگر در دستاورد. این دو نوع نگاه، نحوه ارزیابی گذشته و حال و در نهایت توانایی فرد برای ساختن آینده‌ای ۱۰ برابری را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهند. کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر نشان می‌دهد که برای حرکت به سمت رشد بزرگ‌تر، ابتدا باید یاد بگیریم پیشرفت‌های گذشته خود را ببینیم و به رسمیت بشناسیم.

زندگی در شکاف؛ همیشه فاصله‌ای تا ایده‌آل وجود دارد

افرادی که در شکاف زندگی می‌کنند، خودشان را با جایی مقایسه می‌کنند که تصور می‌کنند می‌توانستند یا باید در آن قرار داشته باشند. داشتن ایده‌آل‌ها ذاتا مشکلی ندارد، اما زمانی دردسرساز می‌شود که تنها معیار سنجش ارزشمندی خود قرار بگیرند. ایده‌آل‌ها شبیه افق هستند: می‌توانند جهت حرکت را نشان دهند، اما هرگز نمی‌توان به آن‌ها رسید.

در مقابل، افرادی که در دستاورد زندگی می‌کنند، خودشان را از نقطه‌ای که شروع کرده‌اند ارزیابی می‌کنند. آن‌ها به جای اینکه دائما احساس کنند از خود آینده‌شان عقب‌تر هستند، همیشه خود را نسبت به خود گذشته‌شان جلوتر می‌بینند.

از سرزنش خود به دیدن دستاوردها

این ذهنیت که به جای کم‌ارزش کردن خود، قدردان پیشرفت‌ها باشیم، باعث می‌شود افراد در دستاورد زندگی را چیزی ببینند که برای آن‌ها اتفاق می‌افتد، نه چیزی که بر ضد آن‌ها رخ می‌دهد. حتی دشوارترین و طاقت‌فرساترین لحظات نیز به‌عنوان فرصتی برای یادگیری، رشد و یافتن معنای عمیق‌تر در نظر گرفته می‌شوند.

از خودتان بپرسید: بیشتر اوقات در کدام گروه قرار می‌گیرید؟

تمرین بعدی یکی از مهم‌ترین پیامدهای این دو ذهنیت را برای زندگی ۱۰ برابری نشان می‌دهد. به مسیر زندگی خود تا امروز فکر کنید. آیا می‌توانید یک جهش ۱۰ برابری را که در گذشته تجربه کرده‌اید، پیدا کنید؟ تقریباً همه می‌توانند دست‌کم یک مورد پیدا کنند. اگر با دقت و صادقانه در گذشته خود جست‌وجو کنید، احتمالاً می‌توانید پنج مورد یا حتی بیشتر پیدا کنید.

این تمرین، نمونه‌ای عملی از ذهنیت دستاورد است. یادآوری قدرتمندی است که نشان می‌دهد آینده ۱۰ برابری برای شما نیز به همان اندازه ممکن است که برای هر فرد دیگری ممکن است. شما قبلاً ۱۰ برابر شده‌اید؛ پس می‌توانید دوباره ۱۰ برابر شوید. این مفهوم در کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر بسیار کلیدی است.

برای حرکت به جلو، ابتدا باید گذشته را ارج بنهید

افرادی که بیشتر در شکاف زندگی می‌کنند، ممکن است این تمرین را ناخوشایند و حتی آزاردهنده ببانند. اما این تمرین قرار نیست صرفاً یک روش مثبت‌اندیشی سطحی و خوشحال‌کننده باشد. سالیوان حتی تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید تا زمانی که به داستان زندگی خود در گذشته احترام نگذارید، حرکت رو به جلو ممکن نیست.

بنابراین، اگر در حال حاضر احساس می‌کنید مدام تلاش می‌کنید اما پیشرفتی ندارید، شاید بهتر باشد به جای سرزنش خود، پیشرفت‌ها و مسیر طی‌شده‌تان را به رسمیت بشناسید. شاید همین تغییر نگاه، همان چیزی باشد که چرخ‌های گیرکرده شما را آزاد کند و دوباره امکان حرکت و اوج گرفتن را به وجود آورد.

کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر یادآوری می‌کند که برای ساختن آینده‌ای ۱۰ برابری، لازم نیست از نقطه صفر شروع کنید؛ بخشی از مسیر را قبلاً طی کرده‌اید و همین دستاوردهای گذشته می‌توانند سکوی پرتاب جهش بعدی شما باشند.

شما دوباره ۱۰ برابر خواهید شد

اگر قبلاً توانسته‌اید در بخشی از زندگی خود جهشی بزرگ ایجاد کنید، دلیلی وجود ندارد که تصور کنید این اتفاق فقط یک‌بار ممکن بوده است. همان‌طور که در کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر توضیح داده می‌شود، رشد ۱۰ برابری یک اتفاق تصادفی یا دستاوردی مخصوص افراد خاص نیست؛ بلکه نتیجه تغییر در نحوه نگاه شما به خودتان، اهدافتان و مسیر پیش‌روست.

تجربه‌های گذشته، شواهدی برای آینده هستند

وقتی به گذشته خود نگاه می‌کنید، احتمالاً لحظاتی را پیدا می‌کنید که در آن‌ها به‌طور چشمگیری تغییر کرده‌اید، مهارت تازه‌ای به دست آورده‌اید یا به سطحی رسیده‌اید که زمانی تصورش را نمی‌کردید. این تجربه‌ها نشان می‌دهند که توانایی رشد بسیار بیشتر از چیزی است که در حال حاضر تصور می‌کنید.

مشکل اینجاست که بسیاری از افراد دستاوردهای گذشته خود را فراموش می‌کنند و به جای آن، روی فاصله‌ای تمرکز می‌کنند که هنوز با هدفشان دارند. اما اگر بتوانید از شکاف به سمت دستاورد نگاه کنید، گذشته دیگر مجموعه‌ای از شکست‌ها و فرصت‌های ازدست‌رفته نیست؛ بلکه به مدرکی تبدیل می‌شود که نشان می‌دهد شما قبلاً هم توانسته‌اید جهش‌های بزرگی ایجاد کنید.

برای ۱۰ برابر شدن دوباره، باید متفاوت فکر کنید

۱۰ برابر شدن دوباره به این معنا نیست که همان کاری را که قبلاً انجام داده‌اید، فقط با تلاش بیشتر تکرار کنید. رشد واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که حاضر باشید تصمیم‌های متفاوتی بگیرید، استانداردهای بالاتری برای خود تعیین کنید و روی

فعالیت‌هایی تمرکز کنید که بیشترین نتیجه را ایجاد می‌کنند.

این همان تفاوت مهمی است که کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر میان رشد خطی و رشد تحول‌آفرین مطرح می‌کند. برای رسیدن به نتیجه‌ای کاملاً متفاوت، اغلب لازم است خودتان نیز به فرد متفاوتی تبدیل شوید.

آینده شما می‌تواند بزرگ‌تر از گذشته‌تان باشد

شاید مهم‌ترین نکته این باشد که لازم نیست آینده را از نقطه صفر شروع کنید. شما مجموعه‌ای از تجربه‌ها، مهارت‌ها، تصمیم‌ها و موفقیت‌های گذشته را با خود به همراه دارید. اگر بتوانید آن‌ها را ببینید و به رسمیت بشناسید، می‌توانید از همان‌ها به عنوان سکوی پرتاب مرحله بعد استفاده کنید.

پس اگر یک‌بار توانسته‌اید ۱۰ برابر شوید، احتمالاً می‌توانید دوباره این کار را انجام دهید؛ اما این بار با آگاهی بیشتر و انتخاب‌های بهتر. پیام کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر این است که رشد ۱۰ برابری آینده، می‌تواند ادامه همان توانایی‌ای باشد که پیش‌تر در زندگی خود نشان داده‌اید.

زندگی‌تان را ارتقا دهید!

اگر می‌خواهید زندگی شخصی، زندگی حرفه‌ای یا هر دوی آن‌ها را به سطحی بالاتر برسانید، باید ذهنیت و رفتارهای ۲ برابری را پشت سر بگذارید. کنار گذاشتن آن ۸۰ درصد ممکن است در ابتدا دلهره‌آور به نظر برسد؛ اما خیلی زود متوجه می‌شوید که ۱۰ برابر شدن، برخلاف تصور رایج، در نهایت ساده‌تر، بهتر و لذت‌بخش‌تر است.

در کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر می‌آموزیم که پیام اصلی این است که برای رسیدن به نتایج بزرگ، لازم نیست بیشتر تلاش کنید؛ باید مسیر فکری و هویتی خود را عوض کنید. شما قبلاً هم جهش‌های بزرگ داشته‌اید، پس این توانایی همیشه در شما بوده و دوباره هم می‌تواند فعال شود؛ فقط باید ۸۰ درصد از عادت‌ها، باورها و استانداردهای کهنه را رها کنید تا جا برای رشدی تازه باز شود.

اما یک سوال طبیعی که ممکن است در ذهن بسیاری شکل بگیرد این است: «آیا برای چنین جهشی خیلی دیر نشده؟»

اگر فکر می‌کنید سن، نقطه شروع دوباره را از شما گرفته، «خلاصه کتاب تاسیس پس از ۴۰ سالگی» را در وبسایت مدیر سبز مطالعه کنید؛ کتابی که نشان می‌دهد میان‌سالی نه تنها مانع کارآفرینی نیست؛ بلکه می‌تواند با تجربه، آگاهی و جسارتی که در طول سال‌ها به دست آورده‌اید، زمینه‌ساز یکی از بزرگ‌ترین جهش‌های زندگی‌تان باشد؛ دقیقا همان چیزی که در تفکر ۱۰ برابری کتاب ده برابر آسان‌تر از دو برابر هم دنبالش هستیم.